

یهودیان و مزدیسنان

در عصر صفویه

اسماعیل ترکی دستگری



سرشناسه	: ترکی دستگیری، اسماعیل، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	: یهودیان و مزدیسنان در عصر صفویه/اسماعیل ترکی دستگردی؛ ویراستار مصطفی پاکدل نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات فرهنگ و تمدن، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۵ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۹۱-۷۱-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: یهودیان -- ایران -- تاریخ
نوع	: Jews -- Iran -- History
موضوع	: مزدنران -- ایران -- تاریخ
نوع	: Mazdaznan -- Iran -- History
موضوع	: ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ق.
موضوع	: Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736
رده‌بند کنگره	: DSR۷۲:
رده‌بندی دی‌سی	: ۹۵۵/۹۷۵
شماره کتابشناسی	: ۶۲۰۱ ۲۴



ناشر: فرهنگ و تمدن

یهودیان و مزدیسنان در عصر صفویه

نویسنده: اسماعیل ترکی دستگیری

ویراستار: مصطفی پاکدل نژاد

صفحه‌آرا: سارا فلاح‌نیاسر

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹ تهران

شمارگان: ۲۰۰۰

ISBN: 978-600-6691-71-8

آدرس: تهران، سپهرودی شمالی، خیابان میرزایی زینالی غربی، شماره ۱۱۷، واحد ۳

تلفن: ۸۸۵۸۱۱۰۴، ۸۸۷۴۷۹۹۶-۸

پست الکترونیک: sfti.1390@gmail.com Email:

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه ۷

فصل نخست: آشنایی با تاریخ یهودیان در ایران تا قبل از ظهور صفویه ۱۳

- ۱۳ تاریخچه یهودیت تا ورود به ایران
- ۱۸ یهودیان در ایران باستان تا ورود اسلام
- ۲۷ یهودیان ایران پس از اسلام تا ظهور دولت صفویه

فصل دوم: آشنایی با اوضاع یهودیان در زمان صفویه ۴۵

- ۴۵ از حکومت اسماعیل اول تا پایان حکومت عباس اول
- ۵۷ از حکومت شاه صفی تا ابتدای حکومت افشاریان
- ۷۱ اوضاع جامعه یهودیان در زمان حکومت صفویان
- ۷۸ بزرگان و مشاهیر یهودی معاصر دوره صفوی

فصل سوم: آشنایی با زردشتیان در ایران تا پایان دوره صفویه ۸۳

- ۹۰ زردشتیان ایران پس از ظهور اسلام تا عصر صفویان

فصل چهارم: زردشتیان و وضعیت آن‌ها در قلمرو دولت صفوی ۱۰۷

- ۱۰۷ اوضاع اجتماعی زردشتیان در قلمرو دولت صفوی
- ۱۲۶ نگاهی به اوضاع زردشتیان هند مقارن با عصر صفوی
- ۱۳۶ مشاهیر زردشتی معاصر با عصر صفوی

فصل پنجم: تنگناهای مذهبی و تأثیر آن بر اقلیت‌های دین ۱۴۵

- ۱۴۵ مروری بر تاریخ پیدایش تشیع و دیدگاه فقهای نخستین شیعه درباره اهل ذمه
- ۱۵۸ بررسی نفوذ روحانیت و نقش روحانیون شیعه در عصر صفوی و تأثیر آن‌ها بر جامعه ایران
- ۱۸۵ سخن پایانی
- ۱۸۹ منابع

مقدمه

ای مزدا، پیام آسمانی تو را من به مردم دانا آشکار خواهم ساخت تا بدانند چه سرنوشت شومی در انتظار دروغگویان و تباہکاران است و چگونه هواخواهان راستین و نیکوکاران از خوشبختی برخوردار خواهند گردید. بی گمان خرسندی و خوشبختی از آن کسی است که پیام آسمانی خود را با داناها آشکار سازد. (آذرگشسب، فیروز، گات‌ها، و هوخشترگات: بند ۸، هات ۸۱)

و خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق (شبهه ما) بسازد. تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهائم و در تمامی زمین و همه حشرات که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید. پس خدا آدم را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید، ایشان را نور و ماده آفرید. (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۱، پاسوق ۲۶ و ۲۷)

خدا تکلم فرمود و تمام این کلمات را بگفت من هستم یهوه خدای تو که تو را از زمین مصر و خانه غلامی بیرون آوردم، تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد (کتاب مقدس، سفر خروج، باب ۲۰، پاسوق ۱-۳).

ایران از کهن‌ترین روزگاران، چهار راه عبور فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بوده است. از کهن‌ترین ایام اقوام متعدد با فرهنگ‌های متفاوت و گوناگون به شیوه‌های گوناگون برای مثال با جنگ یا مهاجرت به فلات ایران آمده‌اند. اگر در این سرزمین ماندگار شده‌اند، نظام‌های فکری و فرهنگی خود را در این سرزمین برقرار کرده‌اند و بالعکس از ساکنان این سرزمین نیز تأثیر گرفته‌اند. با در این سرزمین را واسطه‌ای برای انتقال نظام‌های فکری و فرهنگی خود قرار داده‌اند دستاوردهای فرهنگی خود را از این منطقه به اقصای نقاط دنیا انتقال داده‌اند؛ اما در این میان ایرانیان تا امروز در مقابل این تبادل فرهنگی برخی از شهرهای فنیکی و آداب و رسوم خود را حفظ نموده‌اند. البته این واضح است که فرهنگ‌های شرقی و در سال‌های اخیر فرهنگ‌های غربی بر ایران اثر فراوان گذارده‌اند اما مردم ایران همچنان ایرانی مانده و در کنار این تأثیرپذیری‌ها به زندگی خود ادامه داده‌اند.

در این تبدلات فرهنگی، دین یکی از عناصری بوده و هست که نقش به سزایی را در جامعه ایران و حتی جوامع دیگر بازی می‌کند. در عهد باستان ایرانیان با ظهور آیین‌هایی در میان خود مانند مانیسم و مزدیسنتی و حتی مهرپرستی از شبه قاره هند تا اروپا تأثیرات فرهنگی را بر ملل دیگر گذاشته‌اند، حتی در این تأثیرگذاری فرهنگی، آیین‌هایی که از خارج از فلات ایران وارد جامعه ایرانی شدند تأثیرات خود را تا سال‌ها باقی گذاشتند؛ آیین‌هایی مانند بودا و مسیحیت و یهودیت از جمله این ادیان هستند. با ظهور دین اسلام و ورود آن به ایران به سبطه آیین زردشت به عنوان دین اکثریت قابل توجهی از ساکنان شاهنشاهی ساسانی و همچنین دین دولتی پایان داده شد و با شکست ساسانیان جامعه ایران وارد مرحله جدیدی شد. ایرانیان تحت لوای خلافت اسلامی و چند قرن بعد با تشکیل حکومت‌های ترک‌تبار و مغولی فرازهای دیگری از تاریخ خود را آغازیدند.

نه قرن پس از سقوط ساسانیان به دست اعراب مسلمان حادثه‌ای مشابه روی داد. نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی در آذربایجان پس از قیام‌هایی که برپا کردند بالاخره موفق به شکست دشمنان خود و رسیدن به سلطنت در ایران شدند. شاه اسماعیل یکم (م، ۹۳۰ق) در اقدامی مشابه حکام ساسانی که دین زردشت را دین رسمی اعلام نمودند، مذهب شیعه را به عنوان دین رسمی ایران اعلام کرد و حمایت از آیین تشیع را وجهه همت خود قرار داد. عناصری که رجب‌ال رسمی کردن مذهب شیعه در ایران ترویج شد، بر چهار پایه سنی، هفی‌گری، فرهنگی ایرانی و فرهنگ ترکی استوار بود. به طور کلی دوران صفوی می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: از پادشاهی اسماعیل یکم (۹۰۷ق) تا پایان حکومت شاه محمد خدابنده (۹۹۶ق)، دوره دوم از پادشاهی عباس یکم (۱۰۱۶ق) تا ۱۰۳۸ق و دوره سوم از مرگ عباس یکم (۱۰۳۸ق) تا سقوط صفویه به دست افغان‌ها (۱۱۳۵ق). دوره نخست شامل ویژگی‌های ذیل بود: ۱- رواج تصوف در ایران، ۲- برجسته بودن نقش نظامیان قزلباش در حکومت، ۳- جذب عالمان شیعه از شام و بحرین به دنبال رسمی شدن مذهب شیعه، ۴- درگیری صفویان با عثمانی، مسایه غربی ایران به بهانه سنی بودن آن‌ها که دلیل تراشی‌های ساسانیان زشتی در جنگ علیه رومیان مسیحی را پیش چشم می‌آورد، ۵- آغاز روابط خوب با ساسانیان با اروپاییان مسیحی، ۶- ظهور برخی نشانه‌های انحطاط نظامی و سیاسی در پهنه اقتدار حکومت ایران به علت ضعف عملکرد حاکمان این دوره که با ظهور شاه‌عباس یکم این امر از میان رفت.

دوره دوم که سلطنت عباس اول را در بر می‌گیرد (۹۹۶ق. ۱۱۳۸ق) با این خصوصیات شناخته می‌شود: ۱- پایان هرج و مرج در ایران با تدابیر و اقتدار شاه‌عباس و شکوفایی در همه عرصه‌ها، ۲- توسعه یافتن رابطه ایران و

اروپا. ۳- کم شدن نسبی تعصبات دینی نسبت به دوره قبل. ۴- رشد تجارت و به وجود آمدن اقتصاد پویا به دلیل ورود به میدان تجارت جهانی. ۵- ساخت شهرها کاروانسراها و راه‌ها و تثبیت امنیت در ایران که ورود جهانگردان را به ایران در پی داشت. ۶- تشکیل نیروی نظامی قوی و تضعیف یکپارچه‌گری قزلباش‌ها.

در سوم که با مرگ عباس یکم و تا سقوط صفویه ادامه دارد (۱۰۳۸ق - ۱۱۳۵ق) در ادراک این ویژگی‌هاست: ۱- زوال دولت صفویه و رشد تعصبات مذهبی که از دوره نخست نیز بیشتر بود. ۲- هجوم دوباره عثمانی‌ها و ازبک‌ها به دلیل ضعف ایران. ۳- رکود اقتصاد و به وجود آمدن ناامنی در راه‌ها و خرابی کاروانسراها. ۴- افول روابط با اروپاییان. ۵- روی کار آمدن شاهان بی‌کفایت و شهوان. ۶- اوج گرفتن قدرت فقه‌های شیعه و افول هم‌زمان تصوف.

عوامل فوق به خصوص در دوره سوم، باعث شد تا از نظر دینی، غیرمسلمانان جامعه ایران دچار تبعیض و ظلم فراوان شوند. در این زمان حکومت صفوی گاه آن‌ها را به زور مسلمان می‌کرد و گاه با اتهامات واهی دست به کشتار آنان می‌زد. اقلیت‌های دینی در میان توده‌های مردم مسلمان نیز با اذیت و ایذاء مواجه می‌شدند. این عوامل باعث شده بود تا آن‌ها حس میهن‌پرستی خرد را از دست داده و خود را به چشم اسیرانی در یک زندان بزرگ ببینند. این انگاره که هر دینی خود را برتر از باقی ادیان دانسته و سایر عقاید و ادیان را تحمل نمی‌کند در دوره سوم صفوی تبدیل به دید کلی مسلمانان ایرانی شده بود. آفتی که به رشد تعصب و افول عقل‌گرایی در جامعه ایران منجر شد. دیدگاهی نامطلوب که با سقوط صفویان از ایران تقریباً رخت برپست.